

وحدت نیروهای ملی و دموکراتیک واقعیت زمان است!

کشور مابیشتر از سه دهه، درگیر جنگ خانمانسوز است، که این پدیده شوم تمام هستی مادی و معنوی تاریخی ما را که بخون هزاران رادمردان قهرمان گمنام ای وطن بدست آمده بود، توسط چنگال سیاه نیروهای اهریمنی واپسگرا تخریب و انرا از صحنه روزگار ناپدید کردند. ویرانی محلات و گشتار جمعی باشندگان بی دفاع خلق زحمتکش کشور ما از جانب نیروهای مسلح داخلی و خارجی ابعاد وسیع را در بر گرفته که با خشونت و انزجار عمیق از جانب مردم مواجه شده اند. از سوی دیگر عدم ثبات سیاسی و تعقیب سیاستهای مدهیش اقتصاد ازاد، کشور ما را به یک جامعه مصرفی تبدیل نموده و این امر باعث شده تا ضربه بزرگ را بر عواید ملی ما وارد و دهها پروژه های عام المنفعه تخریب و یا توسط زورگویان غضب گردد. همچنان تمام کمکهای مالی که از جانب جامعه بین المللی تحت نام کمک برای بازسازی کشور صورت گرفته، نه تنها در سر نوشت مردم ما موءثر نبوده بلکه فقر، آواره گی و تهی دستی را در میان زحمتکشان افزایش داده، تماماً به کیسه های زورمندان و جنگ سالاران مسلح قدرتمند سرازیر شده است. دولت آقای حامد کرزی، برای پنهان نمودن ناکامی سیاست های خویش، با فریب و مصروف ساختن اذهان جامعه جهانی ده ها کنفرانسهای تبلیغی را



سازماندهی که متاسفانه فیصله های ان شفاع دهنده در دورنچ هموطنان ما نشده، بلکه بروی کاغذ باقی مانده و مفیدیت ان بانهم به زورمندان و غاصبان تشنه بخون انسان زحمتکش کشور ما تعلق گرفته و میگردد. بادر نظر داشت این همه توجه و مواظبت مادی و معنوی از جانب جامعه بین المللی پروسه صلح در کشور عملی نه شده بلکه جنگ هر لحظه تشدید یافته و به یک جنگ سرتاسری و همگانی تبدیل شده است که این همه ناشی از عملکرد رهبری غیر علمی و عدم شناخت دقیق از وضع کشور و سیاست های دوگانه دولت افغانستان و کشور های ذیدخل در قضایای افغانستان از جمله پاکستان و ایران بوده، ارزو ندارند که در کشور ما فضای صلح، وحدت و همبستگی قومی و زنده گی انسانی حاکم باشد؛ تا از این طریق اعمال شوم و سیاه مستبدانه خویش را از لحاظ مذهبی، قومی، لسانی و غیره بالای مردم تحمیل و یک دولت تحت الحمایه دایمی داشته باشند. در همچو لحظه حساس تاریخی لازم و ضروریست که نیروهای مترقی و دموکرات و وطن پرست که به اشکال مختلف پراکنده و از هم دور شده اند، و در حلقات جداگانه سیاسی، مدنی

و اجتماعی با برنامه‌های هم مثل تنظیم و فعال هستند، در یک سازمان واحد سیاسی و یا جبهه واحد باهم متشکل شده و برای نجات کشور از چنگال اهریمنان سیاه و تحکیم حاکمیت قانون و نجات مردم از مظالم و استبداد، اختلافات خویش را کنار گذاشته و یک صدا باهم برای تاءمین این امر شریفانه مبارزه نمایند. که این فرایند در سایر کشور هاییکه درگیر همچو، منازعات داخلی و منطقوی بوده اند، نتایج مثبت را در قبال داشته، که از جمله میتوان در هند، سودان، سومالی و سائیر کشور های آسیائی، افریقایی و امریکا لاتین نامبرد.

در اینصورت برای این ارمان سترگ میهنی، مبارزه پیگیر غرض کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم از وظایف مستمر و مبرم خویش شمرده، بکوشیم تاتوده های وسیع مردم کشور را پیرامون شعارهای مشخص دموکراتیک متحد ساخته و آنها را در مبارزه حق طلبی شان در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی بسیج و کمک نمایم.

مبارزه به خاطر صلح و امنیت سرتاسری با حفظ آزادی های دموکراتیک بر مبنای حقوق شهروندی و حل اختلافات قومی، محلی و همچنان تحکیم رشد ان که از روی معقول همه اقوام و بزرگان ملیتهای از هم برادر ساکنان کشور ما افغانستان را تشکیل میدهد، نقش نیروهای پیشتار مترقی و تحول پرست ملی و دموکراتیک از جایگاه بلند در این فرایند برخوردار است.

در وضعیت کنونی علیه هر نوع عوامل که باعث عدم اعتماد، صلح سرتاسری و اتحاد ملی ما می گردد قاطعانه رزمیده، و نقش مداخله کرانه دستگاه های امنیتی و استخباراتی کشور های همسایه بالخصوص کشور پاکستان را افشا نموده و در محور اساسی مبارزات مستمر نیروهای ملی و دموکراتیک قرار گیرد و علیه هر نوع اعمال خائنانه که ذریعه گماشتگان آنها صورت می گیرد، شجاعانه برخورد نموده و انرا به پیشگاه هموطنان ما افشاء نمایند.

در اوضاع کنونی یکی از وسایل عمده که به امر تجهیز هر چه سریعتر نیروها در جهت هدف مشترک مبارزه و بسیج همه نیروهای خانواده سیاسی (حزب دموکراتیک خلق افغانستان [حزب وطن]) قبلی کمک موءثر میتواند، دور گذاستن اختلافات که به همبستگی و وحدت ما صدمه وارد می کند، میباشد؛ بدون انصراف از اختلافات در عقاید سیاسی و گرایشهای اجتماعی به دور برنامه و خط مشی مشترک واحد، رسیدن به صلح پایدار و غلبه علیه نابسامانی و بی عدالتی های موجود در کشور، ناممکن است.

وجود هدف مشترک میان همه سازمانها و حلقات سیاسی میهن دوست و همدست بودن بخاطر امر خطیر صلح و جامعه دموکراتیک و آزاد و مبارزه برای تاءمین عدالت اجتماعی ضرورت واقعی زمان در وطن ما میباشد. طوریکه لینن گفته است: "هرگز میلیونها انسان به اندرز های یک حزب گوش فرامی دهند، کمتر آنکه مصلحت اندیشی ها با آنچه که تجربه زندگی خود آنها می آموزد، انطباق داشته باشد".

وظیفه مبهم تاریخی، همه نیروهای مترقی و دموکرات در وضع فعلی انست، تا هدفهای دور و نزدیک و موضوعیگیری های شخصی و گروپی خویش را در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دور گذاشته، مشترکاً در جهت ارتقاء سطح آگاهی توده ها و دفاع از منافع آنها، از هیچگونه سعی و تلاش وطنپرستانه دریغ نورزند.

وجود هدف مشترک میان همه حلقات ملی و دموکرات که خواستار تحولات دموکراتیک هستند، انست تا برای یک نظام عادلانه و معتقد به ارمانهای والای زحمتکشان که تضمین کننده همه دستاوردهای تاریخی که از نسل به نسل انتقال یافته است و ما را به اماجهای ملی و دموکراتیک در راه ترقی اجتماعی، آزادی و صلح سراسر در کشور میرساند، میباشد.

وحدت و همبستگی نیروهای ملی و دموکراتیک چپ با برنامه مشترک و خط مشی واحد در یک حزب واحد؛ یا جبهه واحد با حفظ هویت سازمانی و تشکیلاتی در گام نخست در الویت همه اقدامات وطنپرستانه قرار گیرد؛ با نایل آمدن این هدف وطنپرستانه با تشکیل سازمان سیاسی واحد میتوان که با نیرومندی قوی بسوی ائتلافهای بزرگ بیرون از قاره اندیشه بانیر و هائیکه ملی و وطن پرست هستند و دست شان به خون مردم و در چور چپاول، تجاوز به ناموس و وطن هستی مادی و معنوی کشور الوده نه باشد،

و با سازمانهای جهنمی استخباراتی کشور های منطقه ار تباط نداشته؛ و علیه هر نوع رژیم استبدادی و عقب گرا مبارزه نماید، یکی از گزینشهای ضرور برای پیروزی مشترک در نبرد های آینده است؛ بلکه در عین حال وثیقه مطمین نیز برای استقرار و تشکیل یک حکومت دموکراتیک ملی که منطبق با مصالح ملی کشور و منافع همه زحمتکشان باشد، ضرور پنداشته می شود.

بدیهی است برای اینکه میان سازمانها و حلقات سیاسی و سایر نیروهای مترقی مختلف اتحاد و وحدت عمل برقرار شود، مسائل مورد اختلاف سریعاً مطرح تابتوان زمینه های توافق عمل مشترک را دقیقاً جستجو نمود. بهمین جهت گفتگو و بحث های سالم در باره اختلاف نظر ها به چوجه نباید ما را از هدف اساسی که عبارت از یکی کردن، یک جهت کردن و کوششها برای نیل به اماج اصلی نهضت مترقی است، منحرف سازد.

موکول کردن اتحاد و وحدت عمل بدون دلایل اصولی، بمعنی نفی کوشش در راه اتحاد است. زیرا نفس اتحاد بین سازمانها و گروههای سیاسی مختلف خود متضمن اختلاف نظر میان آنها هست، اگر غیر از این می بود منطقاً بجای اتحاد، می بایست پیرامون برنامه و خط مشی مشترک مسئله وحدت رهبری و سازمانی مطرح میگردد.

تاریخ بما می آموزاند: که بدون وحدت و یکپارچگی نیروهای ملی و دموکراتیک چپ در یک حزب واحد و یا جبهه نیرومند میهنی، تحقق اهداف والای انسانی که در محوران عدالت اجتماعی قرار دارد و رسیدن به صلح سراسری

ونجات کشور از دسیسه های کشورهای ارتجاعی منطقه که گاهی به این نام و آن نام به زور قوای نظامی، تمامیت ارضی کشور ما را زیر سوال می برند، ناممکن است. کشور ما در مراحل مختلف تاریخ بنا به وضع موجود آن زمان تحت اداره های مختلف محلی قرار داشته، که از رهبری و اداره مرکزی فرمان بردار بوده و ممثل اراده وحدت و یکپارچگی تمام اقوام اعم: از بک، تاجک، هزاره، پشتون و ترکمن و غیره در کشور ما بوده است؛ اگر همچو الگو بتواند در جهت تحکیم و تاءمین وحدت تمام اقوام قبایل کشور و باعث از بین رفتن مناقشات تاریخی و تاءمین منافع مردم که از ان اکثریت ساکنین کشور پشتبانی نمایند، اقدام نیک و بجای خواهد بود، و در غیر ان مبارزه شدید و بی امان علیه هر نوع نقشه های خائنانه ارتجاع منطقه صدا بلند کرده و انرا محکوم نمود.

باعرض حرمت علی رستمی

شهر مورفیلدن المان

رفقا، دوستان عزیز تارنمای **وطندار**! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکس سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول: دپلوم انجنیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز: انجنیر نجیب یوسفی

کلیه حقوq بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

برگشت به صفحه نخست

<http://www.vatandar.at/>

بقیه گزیده های مقالات علی رستمی

<http://www.vatandar.at/allirustami.html>